

# از اعتصاب کارگران نفت در انقلاب ۵۷ چه می آموزیم؟

محمد صفوی



بازخوانی گزارش روزانه‌ی اعتصاب در پالایشگاه  
نفت آبادان - ۱۳۵۷



با گذشت تقریبی هشت ماه از آغاز مبارزات عمومی مردم در بخش‌های وسیعی از کشور علیه حکومت شاه، دو رخداد مهم و اسفناک، یکی واقعه‌ی آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ و در پی آن کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله تهران، نقطه‌ی آغازی برای شروع اعتصابات گسترده کارگران و کارمندان صنعت نفت ایران علیه حکومت شاه شد. از آن پس زمره‌ی سازمان‌دهی اعتصاب عمومی در میان کارکنان پالایشگاه و شرکت نفت در تهران و شیراز و اصفهان و تبریز و آبادان و دیگر مراکز صنعت نفت در جنوب آغاز شد.

کارکنان نفت شامل کارگران، کارمندان و مهندسان جوان و فعالان قدیمی‌تر کارگری که تجارب سازماندهی کارگری و اعتصابات موفق صنفی سال‌های پیشین در پالایشگاه آبادان را با خود داشتند و به‌ویژه با تجربه‌ی اعتصاب صنفی سال ۱۳۵۳ در پالایشگاه تهران آشنا بودند، در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ با ایجاد «کمیته‌های مخفی اعتصاب» و ایجاد «کمیته‌ی هماهنگی» برای پیشبرد اعتصابات کارگری، فعالیت‌های خود را آغاز کردند. در فضای ملتهب و انقلابی و دو قطبی‌شده‌ی آن دوران که نزد مردم در یک سو شاه به‌عنوان دیکتاتور مظهر تمام بدی‌ها بود و در سوی دیگر آیت‌اله خمینی قرار داشت، جنبش کارگری بدون دیدگاهی منسجم و نظریه‌های سازنده درباره‌ی منافع مستقل خود و بدون اطلاع دقیق از اهداف و عملکرد رهبران مذهبی که در رأس انقلاب قرار گرفته بودند و از همه مهم‌تر، بدون منبع مالی مستقل، صرفاً با چشم‌اندازی که ساقط کردن حکومت شاه را در نظر داشت اعتصابات عمومی و سراسری را در تأسیسات نفتی ایران تا سرنگونی شاه سازمان‌دهی کرد.

باز خوانی گزارش روزانه‌ی زیر که گروهی از فعالان کارگری<sup>۱</sup> و کارگران و کارمندان جوان و متخصص و فنی در پالایشگاه آبادان در مقطع انقلاب - از مهر ماه سال

---

<sup>۱</sup> گزارش روزانه‌ی پالایشگاه آبادان را گروهی از کارگران جوان و فعالان کارگری که در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ در پالایشگاه آبادان کار می‌کردند و گرایش‌های سوسیالیستی داشتند تهیه می‌کردند. آنان در آن

۱۳۵۷ تا مقطع سرنگونی شاه - تهیه می کردند تاریخچه‌ای مختصر و کلی از شکل‌گیری دو اعتصاب بزرگ کارگران و کارمندان شرکت نفت ارائه می‌کند. این گزارش عملکرد کمیته‌های مخفی اعتصاب، نحوه‌ی سازمان‌دهی و هدایت اعتصاب، شیوه‌ی ارتباط و همبستگی، تنوع نیروهای موجود و تا حدودی نحوه‌ی تأمین منابع مالی در شرایط نبود صندوق‌های مالی اعتصاب متعلق به کارگران را توضیح می‌دهد. همچنین این گزارش شکل‌گیری و فعالیت هسته‌های کوچک سوسیالیستی در میان کارگران پالایشگاه را آشکار می‌سازد و نحوه‌ی همکاری بین آنان را از طریق «تشکیل کمیته‌ی هماهنگ‌کننده‌ی اعتصاب» را بیان می‌کند.

گزارش زیر مربوط به دو اعتصاب بزرگ در پالایشگاه آبادان است.

۱- گزارش اعتصاب مهر و آبان ۱۳۵۷

۲- گزارش اعتصاب آذر و دی ۱۳۵

## گزارش روزانه از اعتصاب در پالایشگاه آبادان در سال ۱۳۵۷

### مختصری درباره‌ی پالایشگاه آبادان در سال ۱۳۵۷

پالایشگاه آبادان یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های تصفیه‌ی نفت جهان است که حدود ۷۰ سال پیش تأسیس شده است و دارای چندین هزار کارگر و کارمند است و روزانه (۲۴

---

زمان عضو یک تشکیلات کارگری محلی تحت عنوان «مبارزان راه ایجاد حزب طبقه‌ی کارگر» (متحدین خلق) بودند. این گزارش نخستین بار در دی‌ماه ۱۳۵۷ منتشر شد. افراد این تشکل عمدتاً از کارگران فنی و کارمندان و مهندسان جوانی بودند که گرایش‌های سوسیالیستی و سدی‌کایی داشتند و در سال‌های پیش از انقلاب در دهه‌ی ۵۰ در پروژه‌های مختلف صنعتی به‌عنوان کارگران پروژه‌ای، در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها و تأسیسات ساختمان‌سازی نیروگاه اتمی دارخوین کار می‌کردند. افزوده‌های داخل قلاب [] از من است. (محمد صفوی)

ساعت) حدود ۶۰۰ هزار بشکه نفت در آن تصفیه می‌شود. محصولات عمده ی آن بنزین، نفت گاز و چراغ، روغن موتور و... است که بخش عمده‌ی آن صادر می‌شود. بنا به آمار در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ حدود بیست هزار کارگر و کارمند و کارگر قرار دادی در پالایشگاه آبادان مشغول به کار بودند.

پالایشگاه به‌طور کلی از دو بخش تشکیل می‌گردد: ۱- پروسس ۲- تعمیرات

۱- پروسس حیاتی‌ترین بخش پالایشگاه را تشکیل می‌دهد که شامل تمام دستگاه‌های تصفیه و تولید نفت، بنزین، نفت چراغ، گوگرد و غیره می‌شود. هر یک از دستگاه‌ها در هر شیفت (نوبت هشت‌ساعته) توسط ۳ الی ۶ نفر اداره می‌شود، همین پراکندگی و جدایی یکی از علل ضعف همبستگی کارگران این بخش است.

۲- بخش تعمیرات شامل کارگاه مرکزی، تعمیرات کلی (overhaul)، تعمیرات جزئی و تعمیرات حمل‌ونقل است. «کارگاه مرکزی»، مجتمع‌ترین بخش پالایشگاه است که چند صد نفر کارگر فنی و متخصص را در خود جای داده است. اعتصابات و اعتراضات پالایشگاه معمولاً از کارگاه مرکزی پایه گرفته و کارگران مبارز این کارگاه در رهبری اعتصابات نقش فعال و مؤثری ایفا کرده‌اند.

اورهول overhaul، بخشی است که تعمیرات طولانی و اساسی پالایشگاه را انجام می‌دهد و تعمیرات جزئی، تعمیرات دستگاه‌های مختلف پالایشگاه را که زیاد اساسی نیست، به‌عهده دارد. تعمیرات وسایل حمل‌ونقل نیز مانند کارگاه مرکزی در یک کارگاه بزرگ مجتمع بوده و تعمیر وسایل حمل‌ونقل پالایشگاه را انجام می‌دهد. بخش تدارکات نیز شامل انبارها و اتوبوسرانی و سایر امور تدارکاتی است.

از چند سال پیش از انقلاب بهمن، فشار و اختناق پلیسی حاکم بر پالایشگاه شدت بیش‌تری یافته بود. به‌جای حفاظت، گارد که مستقیماً زیر نظر ساواک اداره می‌شد و به سلاح گرم مجهز بود جلوی درهای پالایشگاه مستقر شد و در موارد بسیار به کارگران حمله و فحاشی می‌کرد. قوانین ضد کارگری را رؤسا به شدیدترین وجهی اعمال می‌کردند و هرگونه اعتراضی با تنبیه پولی و تهدید سرکوب می‌شد. تمام این‌ها خشم و

نارضایتی کارگران را بیش تر دامن می‌زد. پس از به آتش کشیدن و کشتار وحشیانه‌ی سینما رکس آبادان که آن هنگام تصور می‌شد توسط مزدوران شاه انجام شده است، خشم و کینه‌ی مردم آبادان، خصوصاً کارگران نسبت به رژیم پهلوی و اربابان امپریالیستی او اوج بیش تری در گرفت. متن زیر گزارشی است از این اعتصابات شکوهمند و یکپارچه که ارکان رژیم پهلوی و حامیان خارجی‌اش را به لرزه درآورد.

### یکشنبه ۹ مهر ۱۳۵۷

همان‌طور که قبلاً اشاره شد از حدود ده روز قبل جنب و جوش‌ها و زمزمه‌هایی در مورد دست کشیدن از کار در میان کارگران به وجود آمد. کارگران پروسس خواسته‌های خود را که جنبه‌ی اقتصادی داشت به صورت کتبی به شرکت ابلاغ کردند، اما چون مهلتی برای جواب گرفتن تعیین نشده بود پی‌گیری نشد. چند روز بعد خواسته‌های کارگران به صورت اعلامیه در کانتین (رستوران) پخش شد. و به صورت ضمنی قرار شد بعد از نهار دست از کار بکشند که موفقیت‌آمیز نبود. روز یکشنبه ۹ مهر که روز اعتصاب عمومی در سراسر کشور بود، کارگران ضمن اعلام خواسته‌های خود دست از کار کشیدند، ولی فردا به تدریج عده‌ای به سر کار بازگشتند و تا بعد از ظهر تمام کارگران از اعتصاب دست کشیدند. علت اصلی شکستن اعتصاب در این روز نبودن ارتباط بین بخش‌های مختلف و پراکندگی در در صفوف کارگران بود. و رؤسای قسمت‌ها از این بی‌اطلاعی کارگران قسمت‌های مختلف استفاده کرده و با حيله و نیرنگ و این که بقیه‌ی کارگران مشغول کار هستند، اعتصاب را در هم شکستند.

اما کارگران هم‌چنان خواهان اجرای خواسته‌های خود بودند. روز دوشنبه ۱۰ مهر ساعت ۳:۱۱ صبح، دیبا (عضو هیئت مدیره و رئیس سابق پالایشگاه) به کارگاه مرکزی آمد و تحت عنوان این که «از این جا رد می‌شدم گفتم سری به کارگران بزنم» و غیره سعی داشت با چرب‌زبانی کارگران را فریب داده و از در گرفتن اعتصاب جلوگیری کند

و می‌گفت که خواسته‌های قانونی شما طی بخشنامه‌ای به شما اطلاع داده شده (روز شنبه ۸ مهر بخشنامه‌ای شامل ۳ ماده به کارگران ابلاغ گردید که عبارت بود از:

۱- ۱۰٪ حقوق‌العاده [فوق‌العاده] حق کارگاهی.

۲- هزینه‌ی مسکن برای مجردها از ۳۰۰ تومان به ۶۰۰ تومان و برای - متأهل‌ها از ۴۰۰ تومان به ۹۰۰ تومان.

۳- پول غذا از ۵ تومان در روز به ۱۰ تومان.

اما کارگران به او تذکر دادند که خواسته‌های ما این‌ها نیست و ما تمام آنها را به شرکت طی بخشنامه‌ای ابلاغ کرده‌ایم و قرار شد که ظرف دو هفته به کارگران جواب بدهد.

### دوشنبه ۲۴ مهر ۱۳۵۷

امروز پایان مهلت داده شده به دیبا و همچنین چهارمین روز شهادت شهدای میدان شهدا (میدان ژاله سابق) می‌باشد. چون از طرف کارفرما هیچ‌گونه جوابی به خواسته‌های کارگران داده نشد، کارگران کارگاه مرکزی دست از کار کشیدند و اعلام اعتصاب عمومی کردند.

### صبح روز سه شنبه ۲۵ مهر ۱۳۵۷

کارگران که از دفعه‌ی قبل این تجربه [را] به دست آورده بودند که ممکن است بر اثر جمع نبودن و بی‌خبری از یکدیگر، رؤسا با توسل به حيله و نیرنگ اعتصاب را بشکنند به تمام قسمت‌ها کارگرانی فرستادند و از کلیه‌ی بخش‌های دیگر خواستند که در محل کارگاه مرکزی تجمع کنند. بدین ترتیب تمام قسمت‌های تعمیرات به‌سوی کارگاه مرکزی حرکت کردند و هرگونه حيله و نیرنگ کارفرما را برای ایجاد نفاق و پراکندگی

نقش برآب کردند. تا امروز تنها قسمت‌هایی که دست از کار نکشیده اند پروسس و اتوبوس رانی است. بعد از اجتماع کارگران اعتصابی در جلوی کارگاه، کارگران شروع به چسباندن اعلامیه‌هایی کردند. که در آن‌ها خواسته‌های کارگران و شعارهایی در باره‌ی اتحاد کارگران و «مواظب تفرقه‌اندازها باشید» و هم‌چنین اعلام همبستگی کارمندان با کارگران نوشته شده بود.

### چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۳۵۷

اتوبوس رانی هم امروز دست از کار کشید و به کارگران اعتصابی ملحق شد. پلاکاردهایی در محل تجمع نصب شده که در آن‌ها پشتیبانی کارگران تهران و شیراز از کارگران آبادان به چشم می‌خورد. پروسس نیز اعلام کرده که چنانچه به خواسته‌های کارگران توجه‌ای نشود دست از کار خواهند کشید. اردلان رئیس بخش تعمیرات پالایشگاه کوشش کرد که با وعده‌های دروغین کارگران را به سر کار بازگرداند که او را هو کردند.

### شنبه ۲۷ مهر ۱۳۵۷

امروز صبح دیبا، نوکر دربار به میان کارگران آمد و سعی کرد که با خنده و چرب‌زبانی آن‌ها را فریب داده و اعتصاب را بشکند که کارگران او را هو کردند. او که انتظار چنین عکس‌العملی را نداشت گورش را گم کرد و رفت.

### یکشنبه ۳۰ مهر ۱۳۵۷

امروز صبح انصاری رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت برای اولین بار در میان کارگران ظاهر شد. وقتی از ماشین پیاده شد عده‌ای از کارگران شروع به دست‌زدن کردند که با اعتراض بقیه مواجه شدند. انصاری کوشش می‌کرد که قیافه‌ی خیلی مؤدب و خودمانی بگیرد. حتی شب موقعی که به آبادان رسیده بود، مستقیماً به پالایشگاه رفت و

با کارگران پروسس روی زمین نشست و شروع به صحبت کرده و چنین وانمود می‌کرد که خواسته‌های شما بسیار به‌جا و قابل حل است و از کارگران خواست تا نمایندگانی انتخاب کرده و برای مذاکره بفرستند. همان روز کارگران هر قسمت نمایندگان خود را انتخاب کردند که جمعاً ۹ نفر می‌شدند. انصاری در جریان مذاکره‌ی روز اول کوشش می‌کرد که خواسته‌های اساسی کارگران (در مورد اضافه دستمزد و...) را سرپوش گذاشته و خواسته‌های جزئی و دراز مدت را به میان بکشد و چون دید که نمایندگان حاضر به تن دادن به این مسئله نیستند، عده‌ای از نمایندگان خود فروخته و فرمایشی مناطق نفت‌خیز را نیز در جلسه وارد کرد تا جریان مذاکره را از مسیر اصلی خود خارج سازد. در مقابل پافشاری نمایندگان پالایشگاه چندین بار تهدید به ترک جلسه کرد (یکی دو بار هم گورش را گم کرد و از جلسه بیرون رفت) و با تهدید به تلفن کردن به شهربانی و ارتش کوشش می‌کرد جلسه را آن‌طور که مورد نظر خودش است به پایان برساند. در تمام این روزها نمایندگان نتایج جلسه را به کارگران گزارش می‌دادند و چون مذاکرات به نتیجه نرسید کارگران مجدداً روز شنبه دست از کار کشیدند. در این روز اعلامیه‌هایی به دیوار نصب شده بود و از کارگران خواسته شده بود که فریب آنها را نخورند.

### شنبه ۶ آبان ۱۳۵۷

همان‌طور که گفته شد به علت به نتیجه نرسیدن مذاکرات، کارگران تعمیرگاه و کارگاه مرکزی مجدداً برای بار دوم دست از کار کشیدند و همه در محل کارگاه مرکزی تجمع کردند. در حدود ساعت ۱۰ صبح کارمندان اعتصابی با صفوف منظم به کارگاه مرکزی آمدند که با استقبال و دست‌زدن کارگران مواجه شدند و یکی از کارمندان به خواندن بیانیه‌ای از مبارزات کارگران پشتیبانی نمودند. در ضمن خلاصه‌ی مذاکره‌ی جلسات توسط یکی از کارگران خوانده شد و پس از آن کارمندان به همان نحوی که آمده بودند به محل تجمع خود برگشتند. بعد از رفتن کارمندان عده‌ای از کارگران شروع به



دادن شعار « مرگ بر انصاری » کردند که با مخالفت دیگران مواجه شد. در آن شرایط این عمل صحیح نبود، زیرا هنوز صفوف کارگران اعتصابی به قدر کافی محکم نبود و ممکن بود باعث جلوگیری از پیوستن کارگران پروسس به اعتصاب گردد، (کارگران پروسس قرار بود از فردا به اعتصاب بپیوندند).

بعد از ظهر کارگران تصمیم گرفتند که طی صفوف منظم به محل تجمع کارمندان اعتصابی بروند که با مخالفت عده‌ای از کارگران سالخورده روبرو شد. اما اکثریت کارگران در صفوف منظم شروع به دور زدن در محوطه کردند و بقیه را تشویق به آمدن کردند که این کار تقریباً با موفقیت انجام شد. زمانی که کارگران به محوطه رسیدند با دست‌زدن‌ها و گل‌باران آن‌ها روبرو شدند و کارمندان با دادن شعارهای « زنده باد اتحاد، اتحاد- پیروزی، اتحاد- مبارزه - پیروزی » به صفوف کارگران پیوستند و در پالایشگاه شروع به پیاده‌روی و تظاهرات کردند. پس از بازگشت به محل تجمع یکی از کارگران راجع به همبستگی و اتحاد کارگران و کارمندان و نیرنگ و دورویی انصاری سخنرانی کرد و یکی دیگر از کارگران به بحث در مورد آزادی قلم و بیان و استثمار کارگران پرداخت. در آخر یکی از کارمندان شروع به خواندن خواست‌های کارگران مناطق نفت‌خیز نمود که با تأیید کامل کارگران و کارمندان مواجه شد. این خواسته‌ها عبارت بود از:

- 1- لغو حکومت نظامی در سراسر کشور
- 2- آزادی زندانیان سیاسی بدون هیچ‌گونه قید و بند
- 3- منع هرگونه دخالت نیروی پلیس و ارتش در امور صنعت نفت
- 4- رسیدگی به خواسته‌های فرهنگیان کشور
- 5- رسیدگی به خواسته‌های کارگران صنعت نفت
- 6- محاکمه‌ی کلیه‌ی مسببین کشتارهای اخیر و چند خواست دیگر.

سخنرانی با تأکید بر این نکته که خواست‌های فوق، خواست‌های ما هم هست با دست زدن‌های کارگران و کارمندان به پایان رسید.

## یکشنبه ۷ آبان ۱۳۵۷

امروز کارگران از قسمت‌های مختلف به سمت کارگاه مرکزی حرکت کردند. در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران با پلاکاردهایی که روی آن‌ها:

۱- لغو حکومت نظامی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی

۲- عدم دخالت قوای نظامی

۳- کارگران اتحاد و همبستگی خود را بیش‌تر کنید.

۴- هیچ‌گونه قولی را از کسی قبول نکنید مگر با بخشنامه

۵- ما کارگران هیچ‌گونه قولی را نمی‌پذیریم

نوشته شده بود به محل تجمع آمدند که از طرف کارگران به شدت استقبال شدند، همچنین کارگران پروسس نیز از امروز دست از کار کشیدند و اعتصاب بُعد و عظمت بیش‌تری یافت، ورود کارگران پروسس به محل تجمع با استقبال شدید دیگر کارگران مواجه گشت. همچنین از طرف انصاری اطلاعیه‌ای در میان کارگران پخش شد که توسط کارگران پاره شد. عده‌ای از کارگران قدیمی با طرح خواسته‌های سیاسی و ارتقای اعتصاب به جنبه‌های سیاسی مخالفت می‌کنند و امروز سعی در پایین آوردن پلاکاردها داشتند و بر سر این موضوع بین کارگران اختلاف افتاد و می‌رفت که حتی به درگیری و بازگشت عده‌ای از کارگران به سر کار منجر شود. که کارگران آگاه برای حفظ وحدت و یکپارچگی پلاکاردها را پایین آورده و مانع تفرقه و اختلاف شدند.

کارگران پیشرو باید آگاه باشند که تا آن‌جا که می‌توانند از طریق بحث و گفت‌وگو کارگرانی را که از نظر سیاسی عقب‌مانده هستند، اقناع کنند و آن‌ها را به لزوم مبارزه‌ی

سیاسی و مبارزه علیه دستگاه جور و ستم آگاه سازند، نه از طریق تهدید و قلدری و داد و فریاد. ارتقای مبارزه‌ی کارگران و هرچه سیاسی‌تر کردن این مبارزات باید از طریق کار پرحوصله و تربیت مداوم و مستمر آگاهی سوسیالیستی کارگران انجام پذیرد. همچنین امروز کارگران رستوران پالایشگاه نیز به جمع اعتصابیون پیوستند که با استقبال شدید کارگران روبه‌رو شدند. اعتصاب به‌طور کلی به تمام ارگان‌های پالایشگاه سرایت کرده است و هیچ‌گونه فعالیت تولیدی به چشم نمی‌خورد. در ضمن یکی از نمایندگان که احتمالاً آدم مشکوکی است سعی می‌کند در بین کارگران دو دستگی و نفاق بیندازد که با عکس‌العمل شدید کارگران مواجه شد و به همین علت و برای جلوگیری پراکندگی و بی‌برنامگی، کارگران آگاه و با تجربه پیشنهاد کردند که یک کمیته‌ی نظارت و تنظیم‌کننده از طرف کارگران انتخاب شود و این کمیته سخنگوی اعتصابیون بود و وظایفش به‌طور عمده عبارت بود از:

نصب اعلامیه و تدارک سخنرانی و جمع‌بندی نظرات کارگران و در صورت لزوم مذاکره با کارفرما و هیچ‌کس به جز اعضای کمیته حق ندارند با کارفرما مذاکره کنند و یا اعلامیه‌ای به دیوار بچسبانند و غیره. قرار شد که کمیته فردا از طرف کارگران انتخاب شود.

### دوشنبه ۸ آبان ۱۳۵۷

امروز صبح باز کارگران در گروه‌های مختلف به طرف سمت کارگاه مرکزی حرکت کردند و یک گروه از کارگران با پلاکاردهای «اتحاد- مبارزه- پیروزی» «مرگ بر دشمنان کارگر- زنده باد همبستگی»، در ساعت ۸:۱۵ صبح به محل تجمع کارمندان رفتند و در آن‌جا یکی از کارگران مسن و آگاه شروع به سخنرانی در مورد ضرب‌وشتم ساواک و امپریالیسم خونخوار و آمریکا و کارتر و این که سران مملکت باعث ایجاد چنین وضعی در ایران شده‌اند، کرد. سپس گروه فوق به سمت کارگاه مرکزی رهسپار شد. هم‌چنین امروز کارگران گاراژ و حمل‌ونقل طی صفوف منظم به محل کارگاه

مرکزی آمدند که مورد استقبال قرار گرفتند و یکی از آن‌ها شروع به سخنرانی در مورد اعلام همبستگی پشتیبانی کارگران گاراژ و حمل و نقل از کلیه‌ی کارگران نمود. سپس یکی از کارگران در مورد جنایات رژیم علیه کارگران و مردم ایران در زندان‌های رژیم و لزوم اتحاد و همبستگی کارگران صحبت کرد. بعد از سخنرانی‌ها قرار شد که پیاده‌روی در پالایشگاه انجام پذیرد که عده‌ای در ابتدا مخالفت کردند ولی کارگران موافق ضمن مشخص کردن مسیر راه و لزوم پیاده‌روی کارگران را در صفوف متشکل سازمان داده و تظاهرات با شعار «اتحاد- مبارزه - پیروزی» و با شرکت بیش از سه هزار کارگر شروع شد، سپس کارمندان نیز به آن‌ها ملحق شدند و پس از پیاده‌روی و تظاهرات در قسمتی از پالایشگاه مجدداً به کارگاه مرکزی برگشتند و یکی از کارمندان اعلامیه‌ی پشتیبانی و همبستگی استادان و دانشجویان دانشکده‌ی نفت آبادان را قرائت کرد و همچنین اعلامیه‌ای در مورد سخنان خسرو روزبه در بیدادگاه رژیم و مبارزه‌ی طبقاتی در جامعه‌ی سرمایه‌داری و لزوم برخورد منافع این دو طبقه‌ی متضاد (کارگران و سرمایه‌داران) و این که منافع یکی متضمن از بین رفتن منافع طبقه‌ی دیگری است خوانده شد. پس از آن یکی از کارگران در افشای ماهیت رژیم و زندانی کردن معلمان سخنرانی کرد و همچنین اعلامیه‌ای در مورد کشتار و ترور مردم از سال ۱۳۳۲ تا به امروز و شکنجه‌گاه‌های رژیم تحت رهبری شاه خائن قرائت شد. مجدداً مسئله‌ی انتخاب کمیته‌ی هماهنگ‌کننده مطرح شد و روی لزوم تشکیل این کمیته و وظایف آن بحث شد و بعضی از قسمت‌ها نماینده‌ی خود را انتخاب کردند و انتخاب سایر نمایندگان به روز بعد موکول شد.

### سه شنبه ۹ آبان ۱۳۵۷

در این روز کمیته‌ی هماهنگ‌کننده انتخاب و معرفی شد، تعداد آن‌ها ۱۳ نفر است. در ساعت ۵:۰۹ دقیقه کارمندان اعتصابی به عنوان اعلام همبستگی با کارگران به محوطه‌ی کارگاه مرکزی آمدند و کارگران آن‌ها را گل‌باران کردند و سپس یکی از اعضای

کمیته‌ی کارگران به آن‌ها خوش آمد گفت و لزوم تنظیم و هماهنگ کردن اعتصاب کارگران و کارمندان را یادآوری نمود. پس از آن یکی دیگر از کمیته‌ی کارگران در مورد شکنجه‌های ساواک و به زندان انداختن معلمان صحبت نمود و اظهار داشت که بهترین راه مبارزه، سکوت است، ولی یکی دیگر از سخنگویان اعتراض کرد و گفت که در این مورد بهترین کار حرف زدن است و باید سخن گفت. سپس در مورد این اجتماعات پرشکوه و اتحاد مقدس صحبت کرد و گفت که پالایشگاه آبادان در ظرف ۲۵ سال گذشته چنین اعتصاب عظیمی به خود ندیده است و عظمت قدرت کارگر و این که هر ماشینی بدون نیروی کارگر به آهن پاره‌ای تبدیل می‌گردد در این اعتصاب کاملاً نمایان است. همچنین یکی از اعضای کمیته به کارگران گفت که محل تجمع را زود ترک نکنند چون این کار باعث ضعیف شدن اعتصاب می‌گردد. بعد از ظهر اعضای کمیته جلسه‌ای در بین خودشان گذاشتند تا در مورد تنظیم کارها تصمیم بگیرند و سپس تمام خواسته‌ها را روی پلاکاردهای بزرگی نوشته روی دیوار نصب کردند و قرار شد که برای بالا بردن روحیه‌ی کارگران و ارتقای کارگرانی که مخالف سیاسی شدن اعتصاب هستند و قوی‌تر کردن جوّ سیاسی و اتحاد و همبستگی بیش‌تر، پیاده‌روی انجام دهند. به‌طور کلی هنوز عده‌ای از کارگران قدیمی مخالف جنبه‌ی سیاسی اعتصاب هستند و این مخالف را باید از طریق بالا بردن روحیه‌ی کارگران، سخنرانی‌ها و تظاهرات و کار افشاگرانه در میان کارگران تضعیف کرد. در پایان وقت اداری هنگامی که کارگران به دروازه‌ی خروجی ۱۳ و ۱۴ رسیدند با درهای بسته مواجه شدند (لازم به ذکر است که در طی مدت اعتصاب دروازه‌ها به‌طور کلی باز بود) و گارد پالایشگاه می‌گفت که تیمسار فرماندهی گارد گفته است که در را باز نکنند که این موضوع با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. در این موقع سربازان با زره‌پوش به طرف درپالایشگاه آمدند و با نزدیک شدن آن‌ها در باز شد، ولی کارگران خارج نشدند و به افسر فرمانده اعتراض کردند ولی

از اعتصاب کارگران نفت در انقلاب ۵۷ چه می‌آموزیم؟

او اظهار بی‌اطلاعی کرد. کارگران به هنگام خروج به یکدیگر می‌گفتند که این‌ها برای ترساندن ماست، ولی ما نباید بترسیم، فردا نشان خواهیم داد.

### چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۵۷

امروز صبح قوای نظامی در نقطه‌های مختلف پالایشگاه، مخصوصاً در محوطه‌ی کارگاه مرکزی مستقر شده بودند. در ساعت ۷:۴۰ دقیق یک سرهنگ نظامی با بلندگو آمد و از کارگران خواست به محل کارهای خود بروند. در همین هنگام کارگران سایر قسمت‌ها در صفوف منظم به کارگران کارگاه مرکزی پیوستند که با کف زدن‌های شدید کارگران استقبال شدند. سپس کمیته‌ی کارگران با سرهنگ صحبت کردند. پس از آن سرهنگ فوق از پالایشگاه خارج و بعد از مدتی در حدود ساعت ۹:۵۰ صبح رئیس حکومت نظامی آبادان آمد و سعی کرد با زبان چرب‌ونرم و سوگند به شرافت نداشته‌ی سربازی‌اش کارگران را وادار کند به سر کار خود بروند که موفق نشد و سپس تقاضا کرد دو نفر از کارگران همراه او بیایند تا شاهد اقدامات او برای به‌دست آوردن خواسته‌های کارگران باشند. با این‌که قرار بود با هیچ‌کس مذاکره انجام نگیرد و کسی به جز کمیته حق صحبت کردن را نداشته باشد، دو نفر فوراً سوار ماشین شدند و کارگران تنها کاری که توانستند بکنند این بود که یکی از اعضای کمیته را به همراه آنها بفرستند و قرار شد تا ساعت یک بعدازظهر نتیجه معلوم گردد. در ضمن اطلاع داده شد که معلمین آبادان به‌عنوان اعتراض به حکومت نظامی دست به اعتصاب غذا زده‌اند و کارگران تعمیرات بیرون به‌عنوان اعلام همبستگی در محل دروازه‌ی اصلی پالایشگاه جمع شده‌اند. در ساعت ۳:۲۰ بعدازظهر سه نفری که همراه فرمانده نظامی رفته بودند، مراجعت کردند و گفتند رئیس حکومت نظامی برای اجرای خواسته‌های صنفی تا روز شنبه وقت خواسته است و گفته است که برای نشان دادن اعتماد خودتان به من اگر شده حتی برای یک ساعت هم کار کنید. اما کارگران قبول نکردند و گفتند تا با خواسته‌های ما به‌طور رسمی موافقت نشود به سر کار باز نخواهند گشت. و در ساعت ۳:۳۰ سربازان از محل کارگاه بیرون رفتند.

### شنبه ۱۳ آبان ۱۳۵۷

امروز مجدداً کارگران بر سر خواست‌های سیاسی بین خود بحث و گفت‌وگو می‌کنند و هنوز عده‌ای مخالف این مسئله هستند ولی اکثریت برای جلوگیری از تفرقه و جدایی کوتاه می‌آیند. همچنین قرار شد از ۱۳ نفر اعضای کمیته‌ی کارگران ۶ نفر انتخاب شوند و این کار در شرایط موجود کاملاً صحیح است، چون دو نفر از اعضای کمیته بیش‌تر به دنبال زدوبند با کارفرما هستند. همچنین یکی از اعضای کمیته هشدار داد که ممکن است از روزهای دیگر کسانی را به داخل پالایشگاه راه بدهند که با کار کردن موافقت کنند و به آن‌ها کارت مخصوص بدهند، در این صورت همه در ظاهر موافقت می‌کنیم و کارت می‌گیریم اما مجدداً به محل تجمع می‌آییم.

اطلاع داده شد که عده‌ای از معلمین آبادان جلوی دروازه‌ی ۱۸ تجمع کرده و منتظر کارگران هستند، بعد از جرّوبحث‌های زیاد قرار شد همه به سمت دروازه حرکت کنند که اطلاع دادند که پلیس آن‌ها را متفرق کرده است. سپس اطلاع داده شد که حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان پتروشیمی - جنرال آفیس و ایران نپتون و نیروگاه اتمی جلوی دروازه‌ی اصلی به‌عنوان پشتیبانی از کارکنان پالایشگاه تجمع کرده‌اند و پلیس آن‌ها را در محاصره‌ی شدید قرار داده است. [لازم به یاد آوری است: دوتن از فعالین با سابقه‌ی کارگری زنده‌یاد مصطفی آبکاشک لوله‌کش و زنده‌یاد ابراهیم غریب‌زاده جوشکار، که هر دو نقش مهمی در سازماندهی اعتصاب کارگران پیمانی پالایشگاه اصفهان برای خواسته‌های صنفی در سال ۱۳۵۶ داشتند این بار نیز نقش مهمی در بسیج و سازماندهی کارگران پروژه‌ای دارخوین در حمایت از کارگران اعتصابی پالایشگاه آبادان ایفا کردند.]

### یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۷

دیروز مأموران نظامی به وحشیانه‌ترین شکلی به کارگران و کارمندان پتروشیمی - جنرال آفیس و نیروگاه اتمی حمله کرده و ۱۲ نفر از آن‌ها را زخمی کرده و حال دو نفر



بسیار وخیم است. یکی از اعضای کمیته‌ی کارگران با نشان دادن پیراهن خون‌آلود و ایراد سخنرانی در مورد رفتار وحشیانه‌ی پلیس اعلام نمود که خواست‌های سیاسی باید در صدر تمام خواست‌ها قرار گیرد. کارگران که از این عمل وحشیانه‌ی مأموران نظامی به خشم آمده بودند موافقت خود را اعلام داشتند و ساعت ۱۰ کارمندان اعتصابی نیز به جمع کارگران پیوستند و قطعنامه‌ی کارگران در ۹ مورد اعلام گردید. اینک متن قطعنامه:

### قطعنامه‌ی شماره ۱ کارگران پالایشگاه آبادان ۱۴/۸/۵۷

ما کارگران پالایشگاه آبادان به خاطر همبستگی با خواهران و برادران کارمند شرکت نفت و سایر طبقات ملت ایران، پس از وصول از خواسته‌های صنفی، اینک خواست‌های ملی خود را که اولویت دارند اعلام می‌کنیم:

- ۱- حمایت و پشتیبانی کامل از خواست‌های کارمندان صنعت نفت
- ۲- لغو حکومت نظامی
- ۳- آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و بازگشت تبعیدشدگان
- ۴- انحلال سازمان امنیت و اطلاعات کشور
- ۵- تعقیب و مجازات متجاوزین بیت‌المال
- ۶- تعقیب و مجازات کلیه‌ی عاملان کشتار اخیر ایران
- ۷- برگرداندن روز صنعت نفت از ۹ مرداد به ۲۹ اسفند ماه
- ۸- رسیدگی به خواسته‌های فرهنگیان کشور
- ۹- رسیدگی و اجرای خواسته‌های قبلی کارگران صنعت نفت

سپس یکی از اعضای کمیته‌ی کارگران ضمن سخنرانی خود گفت که کارگر باید در صفوف اول مبارزه قرار گیرد و وظیفه‌ی تاریخی خود، یعنی رهبری مبارزات ضدّ

امپریالیستی - ضد سلطنتی را به عهده گیرد. سپس یکی دیگر از نمایندگان گفت باید سکوت را شکست و به این اراذل نشان داد که اتحاد کارگران یعنی چه! بعد از آن کارگران شروع به دادن شعارهای «کارگر قهرمان، رهبر زحمتکشان، درود ملت بر تو باد، - اتحاد - مبارزه - پیروزی، اعتصاب، اعتصاب، مدرسه‌ی انقلاب و...» کردند. قبلاً قرار بود که کارگران به علت حمله‌ی وحشیانه‌ی ارتش به کارمندان و کارگران، در پالایشگاه تحصن کنند. مجدداً اعلام کردند که تا ساعت ۵ بعدازظهر هستیم و بعد به بیمارستان می‌رویم و تا ۸ بعدازظهر در بیمارستان در کنار معلمین متحصن می‌مانیم.

### سه شنبه ۱۶ آبان ۱۳۵۷

امروز بیش‌تر سخنرانی‌ها در مورد اهمیت اعتصاب صنعت نفت و مسئولیت کارگران در قبال ملت ایران و به‌خصوص پالایشگاه آبادان دور می‌زد و این که برای ادامه‌ی مبارزه باید از خود مایه بگذاریم و به اعتصاب ادامه بدهیم. همچنین نتیجه‌ی جلسه‌ی کمیته‌ی کارگران که حدود ۵ ساعت به طول انجامید چنین بود:

«اولاً، به اطلاع کلیه‌ی همکاران می‌رسانیم که ۴ نفر از رفقای ما را دستگیر کرده‌اند. ثانیاً اگر مسئولین امور بخواهند با ما وارد مذاکره شوند، با در نظر گرفتن این که دولت نظامی سر کار آمده آیا ما با آن‌ها مذاکره بکنیم یا خیر. تصمیم کمیته بدین قرار است که ما با آن‌ها مذاکره بکنیم، به این دلیل که در حال حاضر افکار عمومی تمام جهان، به‌خصوص ایران متوجه ماست و به خاطر این که افکار عمومی را بیش‌تر متوجه خود سازیم و همچنین بهانه‌ای به‌دست پلیس و مأموران نظامی ندهیم، باید بر سر موارد قطعنامه مذاکره کنیم. در پایان اعلام می‌داریم که شرط قبلی مذاکره با مسئولین امر آزادی ۴ تن از رفقای دستگیر شده ما می‌باشد». قطعنامه‌ی کمیته مورد موافقت اکثریت کارگران قرار گرفت، اما بعضی از کارگران جوان مخالفت می‌کردند و می‌گفتند که باید بست بنشینیم تا رفقای ما را آزاد کنند.

رفقای کارگر باید توجه داشته باشند که ما باید همواره با در نظر گرفتن مکانیسم حرکت و مبارزه‌ی کارگران و با توجه به موقعیت و شرایط مشخص عمل نمائیم و مبارزه را ارتقا دهیم. با در نظر گرفتن این که در این شرایط، بست نشستن در پالایشگاه با مخالفت اکثریت کارگران روبرو گردید که بهانه‌ای است به دست مأموران نظامی تا با حمله و پراکنده کردن کارگران، اعتصاب را در هم شکنند، نباید این قدر پافشاری و اصرار می کردند.

### چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۵۷

امروز ساعت ۳:۲۰ دقیقه [بعد از ظهر] تیمسار اسفندیاری فرماندار نظامی آبادان با چندین زره پوش و... پیش کارگران آمد و راجع به خواسته‌های اقتصادی کارگران و کارمندان و این که با بیش تر آن‌ها موافقت شده صحبت کرد و از کارگران خواست که بر سر کار برگردند که با خنده و استهزای کارگران مواجه شد و بعد از رفتن اسفندیاری مزدور، کارگران قرار گذاشتند که پروسس و کلیه‌ی نوبت کارها، سه روز تعطیلی را به سر کار نیابند و قرار شد اگر خواستند کارت بدهند کسی کارت نگیرد و جلوی درهای ۱۳ و ۱۸ تجمع کنند.

### یکشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۷

امروز مأمورین نظامی و پلیس فاشیست تمام پالایشگاه را قرق کرده‌اند و به طرق گوناگون سعی دارند با ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران از تجمع آن‌ها جلوگیری کنند. عده‌ای از کارگران که سعی داشتند به محل تجمع بروند با سرنیزه و باتوم مواجه شدند و حدود ۳۰ نفر از کارگران دستگیر شدند (که پس از مدتی آزاد شدند) کارگاه مرکزی در محاصره‌ی کامل نیروهای نظامی است و فقط کارگران کارگاه می‌توانند آن‌جا بروند. چند نفر از کارگران که همراه کارگران مرکزی به آن‌جا رفته بودند توسط نیروهای نظامی دستگیر و به علت اعتراض، دو تن از آنها به شدت کتک خوردند. با این

حال کارگران کارگاه مرکزی به اعتصاب ادامه دادند و قرار گذاشتند که بعد از ظهر سر کار نیایند. با تمام فشار و اختناق‌ی که در پالایشگاه حاکم است اکثریت عمده‌ی کارگران همچنان از کار کردن خودداری کرده‌اند و به سر کار خود نرفته‌اند.

### دوشنبه ۲۲ آبان ۱۳۵۷

امروز در پالایشگاه اعتصاب و کم‌کاری در اکثر قسمت‌ها به چشم می‌خورد. کارگران مبارز (اکثریت کارگران جوان) طی قطعنامه‌ای اعلام کرده‌اند که به سر کار نمی‌روند. ولی بسیاری از کارگران وارد پالایشگاه شده‌اند. رانندگان اتوبوس و وسایل نقلیه‌ی سنگین به سر کار خود بازگشتند. ولی کارگران قسمت تعمیرات، اداره‌ی حمل و نقل و اکثریت کارگران کارگاه مرکزی و تعمیرات کلی (overhaul) به سر کار نیامده‌اند و کسانی که آمده‌اند، به اعتصاب نشسته در محل کار خود دست زده‌اند. مأمورین نظامی و پلیس به زور اسلحه و سرنیزه کارگران را به سر کار می‌آورند و بسیاری از کارگران را چه در محل کار و چه در خانه دستگیر و اذیت کرده‌اند. با تمام این احوال کم‌کاری و اعتصاب در اکثریت بخش‌های پالایشگاه کاملاً به چشم می‌خورد.

### سه شنبه ۲۳ آبان ۱۳۵۷

با تمام فشار و حکومت سرنیزه که در پالایشگاه برقرار است اعتصاب و کم‌کاری در اکثر قسمت‌های تعمیراتی همچنان ادامه دارد. مأمورین نظامی در تمام نقاط و قسمت‌های پالایشگاه مستقر شده و مانع هرگونه تجمع می‌گردند. با این همه کارگران تعمیرات حمل و نقل کارگاه مرکزی، تعمیرات کلی و سایر قسمت‌های تعمیراتی کوچک، به اعتصاب و کم‌کاری ادامه می‌دهند، کارگران پروسس و رانندگان وسایل نقلیه به سر کار برگشتند و اعتصاب خود را شکستند.

### چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۵۷

اعتصاب فقط در برخی از قسمت‌های تعمیراتی پالایشگاه همچنان ادامه دارد ولی کم کاری در تمام قسمت‌های تعمیراتی دیده می‌شود. امروز چند نفر از کارگرانی را که بازداشت کرده بودند آزاد کردند. در کارگاه مرکزی اعتصاب و کم کاری هم چنان ادامه دارد، همچنین دو نفر از کارگران تعمیرات حمل و نقل آزاد شده به محل کار خود بازگشتند. اما کارگران حمل و نقل همچنان پابرجا به اعتصاب خود ادامه داده‌اند.

### شنبه ۲۷ آبان ۱۳۵۷

امروز هم اعتصاب و کم کاری در بخش‌های عمده‌ی تعمیرات به چشم می‌خورد، قرار شده که هیچ کس اضافه کاری قبول نکند. به خاطر از بین بردن کم کاری کارفرما حربه‌ی تازه‌ای به کار برده، به این نحو که کارگران تعمیراتی قسمت‌های مهم را در دو نوبت تقسیم کرد و اعلام کرد که یک عده روز کار و عده‌ی دیگر عصر کار بیانند که همه مخالفت کردند و هیچ کس قبول نکرد و قرار شد همه روز کار بیانند. کارگران تصمیم گرفته‌اند که به علت نرسیدن به خواسته‌های کامل، خصوصاً خواسته‌های سیاسی، و در اعتراض به ورود ارتش به پالایشگاه و کشتار بی‌رحمانه‌ی خرمشهر، دوباره از روز دوشنبه اعتصاب را عمومی اعلام نمایند.

روحیه‌ی کارگران خوب است و خصوصاً کارگران پروسس نسبت به سابق روحیه‌ی بهتری دارند و چند قسمت پروسس اعلام کرده‌اند که از روز دوشنبه دست از کار خواهند کشید. (پایان گزارش مهر و آبان ۱۳۵۷)

در این بخش از گزارش، کارگران نویسنده به بررسی دستاوردها و نقاط ضعف، کمبودها، کاستی‌ها و بررسی شعارها در این دوره از اعتصابات اشاره می‌کنند. نویسندگان معتقدند که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای این دوره از اعتصابات با توجه

به تنوع عقیدتی موجود در آن مقطع در درون جنبش کارگری، تشکیل «کمیته‌ی هماهنگ‌کننده» برای پیشبرد مبارزات بود.

## گزارشی از اعتصاب دوم پالایشگاه آبادان - آذر - دی ۱۳۵۷

شنبه ۱۱ آذر ۱۳۵۷

به‌طور کلی شنبه آغاز اعتصاب دوم پالایشگاه بود. چند روز قبل کارگران اعلامیه‌ای بخش کردند و خواستار اعتصاب عمومی شدند. کارگران نیز با آمادگی ذهنی خوب برای اعتصاب به پالایشگاه آمدند و اغلب می‌گفتند اگر تمام قسمت‌ها [هم] کار کنند ما (منظور هر قسمت است) کار نخواهیم کرد. در این روز تمام قسمت‌ها بدون تماس با یکدیگر دست از کار کشیدند. در گاراژ قسمت تعمیرات کار نمی‌کردند اما راننده‌ها کار خود را ادامه دادند و در پروسس (تصفیه‌ی نفت) جنب و جوشی برای اعتصاب به چشم می‌خورد.

یکشنبه ۱۲ آذر ۱۳۵۷

امروز نیز اعتصاب بدون همراهی راننده‌ها و پروسس ادامه داشت. بحث‌هایی درباره‌ی رفتن به سوی کارگاه مرکزی و یا قسمت اورهول (overhaul) (تعمیرات عمومی) در میان کارگران در گرفت که به علت محاصره بودن کارگاه مرکزی توسط قوای نظامی لازم دانسته شد که چنین کاری انجام نشود، چون یورش نظامیان به کارگران با توجه به شکل نگرفتن کامل اعتصاب امکان متلاشی شدن جمع را دربر داشت. در ضمن دو قسمت از شیفت (نوبت کار) عصر کار پروسس کار را تحویل نگرفتند. چون که آن‌ها را برای بازخواست به دفتر مرکزی برده و عکس‌های شناسایی از آن‌ها گرفتند، ولی چون

نتیجه‌ای عایدشان نشد عکس‌ها را به آن‌ها پس داده و گفتند به سر کارهای خود برگردید و همان‌جا بنشینید. در این روز اعلامیه‌ای تحت عنوان «برای ۱۶ آذر آماده می‌شویم» از گروه «یاران حیدر عمواغلی» [یک گروه محلی چپ سوسیالیستی در آن مقطع] در کارگاه مرکزی پخش شد. امروز کارمندان دفتر مرکزی به محوطه آمده و تجمع کردند که با پرتاب گاز اشک‌آور روبه‌رو شدند. آنها اعلام یک هفته تحصن در خانه نمودند.

### دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۵۷

امروز در کارگاه مرکزی پنج خواسته‌ی عنوان‌شده به تمام کارگران ابلاغ گردید. خواسته‌ها عبارت بودند از:

- 1- لغو حکومت نظامی در سراسر کشور
- 2- آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و تبعیدشدگان
- 3- ملی کردن تمام قسمت‌های صنعت نفت و الغای تمام قراردادهای اسارت‌بار نفتی
- 4- مجازات عاملین و مسببان کشتارهای اخیر
- 5- برآوردن کلیه خواسته‌های صنفی و اقتصادی

در کارگاه مرکزی مستقیماً اعلامیه‌های ضد رژیم پهلوی اعم از مذهبی و غیر مذهبی و کاریکاتورهایی از شاه در تابلوی اعلانات چسبانده شده است. بعد از ظهر اتوبوس‌ها برای بردن کارکنان پروسس نیامدند چون تمام راننده‌ها دست از کار کشیدند و این باعث تقویت روحیه‌ی کارگران اعتصابی شد. در بیش‌تر قسمت‌ها کارگران پیشرو کتاب برای مطالعه و بحث به سر کار می‌آوردند که معمولاً کتاب‌های خوبی است و حتی آثاری از مارکس و لنین نیز دیده می‌شود. امروز صبح دو نشریه‌ی دیواری از گروه «یاران حیدر

عمو اوغلی» پخش شد. همچنین اعلامیه‌ی کارگران خارک و سازمان آب و برق و اعلامیه‌ای از «شفق سرخ» به تعداد کمی پخش شد.

### سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۳۵۷

امروز باز هم پروسس مشغول کار است. بعد از ظهر در قسمت‌ها شروع به جمع‌آوری پول برای روزنامه‌نگاران و کارکنان اعتصابی مطبوعات نمودند. البته از کارکنان قسمت پروسس پول گرفته نشد. این عمل نه تنها نشانه‌ی همبستگی اعتصابیون در سراسر کشور است، بلکه بیانگر رشد سیاسی طبقه‌ی کارگر و درک او از اهمیت آزادی قلم و بیان در مبارزات اجتماعی است. امروز در پالایشگاه روی سه مخزن شعارهای بزرگ با رنگ فشاری نوشته شده بود که عبارت بودند از: مرگ بر شاه خائن - درود بر کارگران مجاهد - درود بر خمینی و... همچنین دو اعلامیه از «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ی کارگر» به میزان محدود پخش شد.

### چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۷

شب گذشته در شاه‌آباد (یکی از مناطق مسکونی شرکت نفت آبادان) یک اتوبوس را که در اولین ایستگاه برای سوار کردن کارگران پروسس ایستاده بود آتش زدند ولی باز هم کارگران پروسس به سر کار خود آمدند. از طرف دیگر تهدیدهایی به وسیله‌ی تلفن به کارگران پروسس می‌شد و حتی چند نفر از آن‌ها را [کتک] زدند، به طوری که یکی از آن‌ها در بیمارستان بستری شد. کلاً همه قصد زدن آن‌ها و یا شکستن ماشین‌ها و یا اذیت کردن آن‌ها را به هر نحو دارند. امروز اعلامیه‌ای با مضمون وقایع تهران از طرف کارگران کارگاه مرکزی و نیز اعلامیه‌ای به صورت پلی‌کیپی دستی درباره‌ی زندان اوین و همچنین اعلامیه‌ی شماره سه از طرف «کارکنان پالایشگاه» پخش شد. طی بخشنامه‌ای



اطلاع داده شد که روز یکشنبه تعطیل است و بعد از یک ساعت شفاهاً از طرف رؤسای قسمت گفته شد که روز شنبه هم تعطیل است. تعطیلی رژیم با توجه به دو عامل است:

- 1- بهره‌گیری از تمایلات مذهبی مردم و تظاهر به احترام به فرهنگ مذهبی جامعه
- 2- رژیم که می‌داند اعتصابات خود زمینه‌ای برای تجمع آزاد کارگران تمام قسمت‌های تولیدی می‌شود و این اجتماعات آزاد شرایطی برای نشر آگاهی طبقاتی و دموکراتیک و کسب خبر پیش می‌آورد، دست به تعطیلی می‌زند.

### سه‌شنبه ۲۱ آذر ۱۳۵۷

امروز بعد از پنج روز تعطیلی کارگران بر سر کار آمدند (پنج‌شنبه و جمعه و شنبه را هم تعطیل اعلام کرده و روزهای یکشنبه و دوشنبه هم برای تاسوعا و عاشورا تعطیل بود - تاکنون تاسوعا تعطیل نبوده است-) امروز هم درباره‌ی وقایع دیروز صحبت می‌کردند و همگی ناراحت بودند. چون دیروز در زدوخورد بین ارتش و تظاهرکنندگان در آبادان حدود ۷ نفر شهید و ۲۲ نفر زخمی و عده‌ی خیلی زیادی دستگیر شده بودند. حادثه در منطقه‌ی جمشیدآباد رخ داد و افراد نیروی دریایی تیراندازی را شروع کردند. تمام کارگران تعمیرات در حال اعتصاب هستند و کارگران پروسس نیز به آن‌ها پیوستند و کارگران پروسس از روز یکشنبه دست به اعتصاب زده‌اند. در حال حاضر بیش‌تر قسمت‌های پالایشگاه حتی خاموش شده‌اند. مسئله‌ی دیگری که قابل ذکر است این است که [کارگران] پیمانکاران اقماری (شرکت ریفاینری) صبح روز چهارشنبه دست از کار کشیدند و در محل دفتر خود که در وسط پالایشگاه واقع است جمع شدند. خواسته‌های آن‌ها صنفی بود. [افراد این پیمانکاری بیش‌تر با کارگران شرکت نفت کار می‌کنند] در حدود ساعت ۱۰:۳۰ صبح سرگردی که با سربازان خود در پالایشگاه مستقر است با یک کامیون سرباز به سراخ آن‌ها رفت و به آن‌ها قول داد که خواسته‌های آن‌ها را از کارفرما

بگیرد (مانند همان قولی که اسفندیاری فرماندار نظامی به کارگران داده بود و آن‌ها را به سر کارهای خود فرستاد و مدت دو هفته نیز فرصت خواست)

## چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۳۵۷

امروز صبح کارگران با خشم بیش‌تر و روحیه‌ی قوی‌تر به سر کارها آمدند. چون دیروز در زدوخوردهایی در ناحیه‌ی «سده» [محل‌های کارگری و فقیرنشین در آبادان] چند نفر زخمی شده‌اند (اطلاع از کشته شدن کسی در دست نیست) پروسس همچنان به اعتصاب خود ادامه می‌دهد و حتی عده‌ای از آن‌ها اصولاً از روز اعتصاب به سر کار نیز نمی‌آیند. تعداد قسمت‌هایی که کار می‌کنند (فقط توسط کارمندان به کار ادامه می‌دهند چون همه‌ی کارگران در اعتصاب هستند) مجبور به کاهش تولید خود شده‌اند. سایر قسمت‌ها فقط نفت در آن‌ها گردش می‌کند یا به‌طور کلی خوابیده‌اند. باید این مسئله را ذکر کرد که تمام مناطق در حال اعتصاب هستند و ذخایر نفت پالایشگاه تا چند شیفت دیگر رو به اتمام است (البته تاکنون فقط گچساران کار می‌کرد آن هم به‌زور سرنیزه، ولی اکنون آن‌ها نیز دست از کار کشیده‌اند) امروز صبح این خبر به پالایشگاه رسید که به کارآموزان حمله کرده و عده‌ای را زخمی نموده‌اند. در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه‌ی ظهر اسفندیاری (فرماندار نظامی) به کارگاه مرکزی آمده و به کارگران گفته که باید به سر کارهای خود بازگردند و از روز شنبه دیگر نباید در پالایشگاه اعتصاب باشد. کارگران نیز در اعتراض به تهدیدهایی که شده است، اعلام کردند که بعدازظهر به سر کار نخواهند آمد. این خبر در حدود ساعت دو بعدازظهر به سایر کارگران رسید و آن‌ها نیز کار را ترک کردند و قرار شد که اگر از روز شنبه با زور آن‌ها را به سر کار فرستادند، از بعدازظهر دیگر به پالایشگاه نیایند.

## شنبه ۲۵ آذر ۱۳۵۷

با تهدید مستقیم چهارشنبه‌ی هفته قبل فرماندار نظامی، کارگران تعمیرات با عزمی راسخ‌تر به سر کارهای خود آمدند و به اعتصاب ادامه دادند. دو روز قبل یک گروه از کارمندان پروسس را در باشگاه انکس (Annex) [باشگاهی که در زمان شاه فقط اختصاص به کارمندان و مهندس‌ها داشت] جمع کردند و طی یک سری تهدید آن‌ها را وادار به کار کردند و در روز بعد در حدود ۵۰ نفر از کارگران پروسس را به سالن انکس بردند و باز هم طی تهدید و قسم‌دادن آن‌ها به قرآن که خواهران و برادران شما در روستاها نفت ندارند، آن‌ها را به کار وادار می‌کنند. (این شیفت صبح بود) ولی دو شیفت بعد کار را تحویل نگرفتند تا امروز صبح که همان شیفت به سر کار آمدند و طی صحبت‌هایی که عظیمی رئیس پروسس کرد به سر کار رفتند و وقتی پالایشگاه خبردار شد با خشم و نفرت تمام کارگران مواجه شدند ولی بعضی از قسمت‌ها بود که برای روشن شدن احتیاج به تعمیرات کلی داشت که چون اورهول overhaul (تعمیرات اساسی) دست به کار نمی‌زد آن‌ها خاموش ماندند. در حدود ساعت ۱۰ صبح خبردار شدیم که درهای پالایشگاه را بسته‌اند و سربازان با چوب و اسلحه دروازه را احاطه کرده‌اند. در حدود ساعت ۱۱ صبح چند سرهنگ همراه با رئیس شهربانی با اسکورت زیاد (۱۵ زره‌پوش و هشت کامیون سرباز همراه با چوب و اسلحه) به کارگاه مرکزی آمدند. اکثر سربازها همراه با سرهنگان وارد کارگاه شدند و تمام کارگران در یک‌جا و روبه‌روی آن‌ها قرار گرفتند که از طرف سرهنگ‌ها تهدید شدند. ولی یک کارگر به آن‌ها گفت که شما خواسته‌های ما را نداده‌اید، در نتیجه ما کار نخواهیم کرد. از او سؤال شد که کدام خواسته‌ی شما داده نشده و ما تا آن‌جا که توانستیم آنها را به شما داده‌ایم ولی از طرف کارگر جواب داده شد که مثلاً ما خواستار مجازات عاملان کشتارهای اخیر شده‌ایم ولی شما به این دلیل که خودتان این کشتارها را کرده‌اید، به‌قول خودتان در این

لباس مقدس، برادران و خواهران ما را می‌کشید نمی‌توانید آن‌ها را دستگیر کنید، در نتیجه ما هم دست به کار نمی‌زنیم که از طرف کارگران پشتیبانی شد. یکی از سرهنگ‌ها این‌طور عنوان کرد که دو راه پیش شما گذاشته‌اند، یکی این که با زبان خوش سر کار بروید که اگر نرفتید ما دست به خشونت می‌زنیم و اگر مقاومت کردید در درجه‌ی دوم عکس‌های تان را می‌گیریم و همگی را اخراج می‌کنیم و خانه‌های تان را تخلیه می‌کنیم که در مقابل همان کارگر جواب داد که به همین سادگی عکس‌های مان را نمی‌دهیم، چون پالایشگاه خانه‌ی ماست و این را می‌دانیم که اگر عکس‌های مان را تحویل بدهیم مطمئناً شما در جلو دروازه ما را به گلوله می‌بندید و اگر روزی خواستیم این کار را بکنیم همگی با هم عکس‌ها را با هم تحویل می‌دهیم و همه با هم از دروازه‌ها بیرون می‌رویم. اگر شما دست به خشونت بزنید ما هم متقابلاً دست به خشونت می‌زنیم [منظور ضربه زدن به دستگاه‌های پالایشگاه است].

ساعت ۱۱:۵۰ دقیقه بود و همه اعلام کردند که می‌خواهند برای ناهار بروند ولی از طرف ارتشی‌ها ممانعت شد و گفتند لااقل دستگاه‌ها را خاموش و روشن کنید که ما بگوییم شما دست به کار زده‌اید، ولی کارگران اهمیت ندادند و همه برای ناهار پخش شدند. در رستوران بچه‌های کارگاه مرکزی به کارگران تعمیراتی گفتند که اگر ما را به‌زور وادار به کار کردند شماها به اعتصاب ادامه دهید و مطمئن باشید که ما هم دوباره به شما خواهیم پیوست. در اکثر قسمت‌ها رؤسا به کارگران اعلام کردند که کارگاه شروع به کار کرده ولی کارگران تعمیرات بدون توجه به این مسئله به اعتصاب ادامه دادند و واقعاً کارگران کارگاه فقط ماشین‌ها را روشن کرده بودند. نزدیکی‌های آخر وقت یک گروه‌بان در یک کارگاه به یک سنگ سمباده دست می‌زند که یکی از کارمندان جوان با او به مشاجره پرداخت و گروه‌بان اسلحه را به طرف او نشانه رفت که ناگهان تمام کارگران او را هو کردند (البته این را باید گفت که کارگاه پر از سرباز بود) و ناگهان تمام سربازان به طرف کارگران نشانه رفتند ولی کارگران بدون توجه به این

مسئله به بیرون کارگاه آمده و رئیس کارگاه را خواستند و اعلام کردند که به دلیل وجود سرباز در کارگاه و کل پالایشگاه ما دست به کار نمی‌زنیم و تا موقعی که حتی یک سرباز در پالایشگاه وجود دارد دست به کار نخواهیم زد. البته این دست‌آویزی بود که اکثر کارگران کارگاه منتظر آن بودند. بدین ترتیب کارگاه به اعتصاب خود ادامه می‌دهد.

### یکشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۷

امروز صبح از برخورد دیروز در کارگاه بین قوای نظامی و کارکنان و خواست آن‌ها در مورد خروج قوای نظامی، هیچ نیروی ارتشی در محوطه‌ی پالایشگاه دیده نمی‌شد و همگی را در طرف گاراژ مستقر کرده بودند. کارگران کارگاه مرکزی امروز صبح دستگاه‌ها را روشن نمودند. چون اعلام کردند که اگر کار نمی‌کردند باز هم قوای نظامی به آن‌جا سرازیر می‌شد و روی همین حساب با کار کردن ما، دیگر آن‌ها [قوای نظامی] به فکر این که کارگاه مرکزی شروع اعتصاب و رهبری آن را دارد، نخواهند افتاد. باید گفت کارگران کارگاه مرکزی با کم کاری شدیدی کار می‌کردند که حتی می‌توان عنوان کرد که کار نمی‌کردند. در ساعت ۱۰ صبح حکومت نظامی به رؤسای قسمت‌ها اعلام کرد که عکس‌های کارگران اعتصابی را بگیرند که البته با جواب‌های گوناگونی از طرف کارگران روبه‌رو شدند. کارگری به رئیس قسمتش گفت که ۳۰ سال سابقه‌ی خدمت‌م را بده با کمال میل می‌روم و کارگر دیگری خطاب به رئیس قسمتش گفت که عکس‌ام را از تو تحویل نگرفته و به تو نخواهم داد. قسمت‌ها همه به وسیله‌ی کارآموزها در رابطه قرار گرفته و همه تصمیم گرفته‌اند [قسمت برق و قسمت‌هایی از اورهول (overhaul) به خانه بروند. در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه که قبل از آن همه کارگران اورهول را یک‌جا جمع کرده بودند، سرهنگ امینی رئیس شهربانی آبادان سخنرانی کرد که اکثر کارگران در موقع صحبت او با هم حرف می‌زدند و یا گوش نمی‌کردند. هنوز صحبتش

از اعتصاب کارگران نفت در انقلاب ۵۷ چه می‌آموزیم؟

تمام نشده بود که در ساعت ۵۵:۱۱ دقیقه کارگران به‌عنوان نهار پراکنده شدند. ظهر تعداد زیادی از کارگران تعمیراتی بر سر کار نیامده و مطرح شد فردا به خاطر عزای ملی از طرف آیت‌الله خمینی به سر کارهای خود نیایند.

### دوشنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۷

حدود ۹۰٪ از کارگران تعمیرات و انبارها به سر کارهای خود نیامدند.

### سه‌شنبه ۲۸ آذر

مجدداً کارگران تعمیرات سر کارهای خود حاضر نشدند.

### چهارشنبه ۲۹ آذر

اعتصاب در قسمت اورهول و تعمیرات گاراژ و قسمت‌های تعمیرات پالایشگاه ادامه دارد. امروز عکس پنج نفر دیگر علاوه بر تعداد قبلی را به‌عنوان اخراج‌شدگان گرفتند که این‌ها از کارگران خوب و پیشرو قسمت‌های مختلف بودند. کارگران پالایشگاه از این مسئله اطلاع کامل ندارند. اعلامیه‌هایی نیز از «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» توسط گروه «پاران حیدر عمواغلی» در ناحیه‌ی شمالی پالایشگاه پخش شد. دفاعیات رفیق هوشنگ تره‌گل نیز از طرف همان گروه پخش شد. امروز اعلامیه‌ای از طرف کارکنان پالایشگاه با مضمون این‌که «به اعتصاب خود ادامه دهیم» و طی آن قید شده بود که تاریخ آغاز دوباره‌ی اعتصاب را به همه اعلام خواهند کرد، پخش شد.

## شنبه ۲ دی ۱۳۵۷

امروز در کارگاه مرکزی یکی از کارگران که قبلاً جزء کمیته‌ی هماهنگ‌کننده بود و در بیش‌تر مواقع خطاهای زیادی در مورد پیشبرد اعتصاب نموده و نیز نفوذی در میان کارگران مسن کارگاه داشت دوباره خواسته‌های صنفی را در تابلوهای کارگاه نصب کرد ولی بعد از ظهر همین روز با مداخله‌ی کارگران پیشرو خواسته‌های ملی جای آن‌ها را گرفت. به طوری که از طرف کارگران پیشرو گفته می‌شد که با این کار به مرحله‌ی اول اعتصاب عقب‌گرد می‌کنیم و حتی عنوان می‌شد که اگر خواسته‌ها بخواهد صنفی باشد بهتر همان که به سر کارهای خود برویم و عین همین اتفاق در میان کارگران اورهول overhaul هم مورد بحث بود. امروز صبح اعلامیه‌ی کارکنان پالایشگاه که پیرو اعلامیه‌ی قبلی که گفته شده بود اعتصاب خود را ادامه بدهیم و موعد آن را معین نکرده بود پخش شد. این اعلامیه موعد اعتصاب را از همین امروز صبح اعلام کرده بود. امروز بعد از ظهر خبر ترور «پل گرین» معاون اسکو [ESCO] در اهواز و انفجار در خط لوله «نفت کوره» در پالایشگاه پخش شد که همه از این مسئله استقبال زیادی کرده و از این موضوع خوشحال بودند. امروز کارگران اعتصابی تصمیم گرفتند سوار اتوبوس‌های شرکت (سرویس پالایشگاه) نشوند.

## یکشنبه ۳ دی ۱۳۵۷

امروز اسامی کارگرانی که در بعضی قسمت‌ها کار می‌کردند پخش شد. کلاً در بین کارگران این مسئله مورد بحث است که با کارگران اعتصاب‌شکن چه رفتاری را باید پیش گرفت که اکثراً با ضرب و شتم نشان دادن به این کارگران موافق بودند. البته باید گفت که شب پیش خانه یکی از کارگران اعتصاب‌شکن را که در حقوق چهارده روز قبل ۱۶/۵۰۰ تومان دستمزد گرفته بود آتش زدند و این کارگران اعتصاب‌شکن پشت

سر هم از سوی بقیه کارگران تهدید می‌شوند. امروز در قسمت تعمیرات «بریم» [نام محله‌ای در آبادان] از طرف ارتش به کارگران حمله شد و ضمن ضرب و شتم هشت نفر از آن‌ها پنج نفر را هم دستگیر کرده بودند. از طرفی کارمندان پیشرو در پالایشگاه سعی فراوان دارند که با کارگران روابط مستقیم برقرار کنند.

### چهارشنبه ۴ دی ۱۳۵۷

امروز باز هم کارگران پروسس و رانندگان به اعتصابیون نپیوسته‌اند. کارگران اکثراً بر اتوبوس‌ها سوار نمی‌شوند و آن را تحریم کرده‌اند. قرار بود برای فردا به کارگران حقوق داده شود ولی امروز خبردار شدیم که حقوقی پرداخت نمی‌شود. می‌توان گفت که مسئله‌ی مالی اساساً روی کارگران تأثیر دارد. از طرف دیگر تاکنون کسی به صندوق اسلامی مراجعه نکرده است. امروز طی یک تراکت مسئله‌ی صندوق اعتصاب و ضرورت ایجاد آن در هر قسمت از طرف گروه «متحدین خلق» پخش شد و در کارگاه مرکزی همه‌روزه چند نوع اعلامیه چه مذهبی و چه غیر مذهبی در تابلوها زده شده و با استقبال همه روبرو می‌شود. از طرفی کارمندان پیشرو پالایشگاه قرار است از فردا اعلام اعتصاب کنند. تعمیرات ابزار دقیق که تاکنون اعتصاب نکرده بودند ولی کم‌کاری شدید داشته، اعلام اعتصاب کرده و طی یک اعلامیه که در تابلوی کارگاه زده شد با کارگران اعلام همبستگی نمودند. دیروز دم در کارگاه ابزار دقیق یک چادر آویزان کرده و به این وسیله آن‌ها را مورد تحقیر قرار داده بودند. [متأسفانه در آن زمان بخاطر نبود آگاهی فمینیستی و جنسیتی در میان کارگران و فعالان کارگری، وجود چنین برخوردهایی که نپیوستن برخی از کارگران به اعتصاب را با نشانه‌های زنانه و آویزان کردن چادر زنان تحقیر کنند، امری «عادی» تلقی می‌شد!] بعد از ظهر اعلامیه‌ای از طرف «مبارزان راه ایجاد حزب طبقه‌ی کارگر ایران» [متحدین خلق] که گزارش جامعی درباره‌ی اعتصاب اول پالایشگاه آبادان بود انتشار یافت. از این گزارش کارگران به‌خوبی استقبال کردند و



همگی آن را قبول کردند. امروز اعلامیه‌ی شماره ۴ کارکنان پالایشگاه پخش شد. این اعلامیه از بیرون و در رابطه با کارگران آگاه و در جریان حرکت‌های پالایشگاه تنظیم می‌شود.

### سه‌شنبه ۵ دی ۱۳۵۷

اعتصاب همچنان مثل روزهای گذشته ادامه دارد. امروز صبح نیروهای ارتشی به کارگاه مرکزی حمله برده و با باتوم‌های چوبی کارگران جوان را مورد ضرب و شتم قرار داده و پنج نفر از آن‌ها را با خود بردند. حمله بدین صورت بود که چند زره‌پوش و کامیون‌های ارتشی به راهرو خود کارگاه آمده و نفرات آن با سروصدا پایین ریخته و یکی از گروه‌بان‌ها با فریاد گفته بود که «دانش‌آموز را بزنید» [منظور او جوان‌های کارگاه بوده است] و این‌قدر سریع دویدند که بقیه روی هم ریختند و چند نفر زخمی شدند. طی این جریان کارگران کارگاه روحیه‌ی خود را از دست داده بودند و آن‌ها را به زور چماق و ادا به کار کردند و آن‌ها هم ماشین‌ها را روشن کرده و پشت دستگاه ایستادند ولی عملاً دست به کار نزدند. بعد از کارگاه به طرف تعمیرات گاراژ رفته و با کارگران صحبت کرده و از آن‌ها خواستند که به سر کارهای خود بروند ولی در این‌جا دیگر به کارگران حمله نکردند، اینجا هم عملاً کسی دست به کار نزد ولی دستگاه‌ها را تا زمانی که سربازان بودند روشن نگه داشتند. طی این وقایع «اورهول» از مسئله‌ی بالا باخبر شده و همه‌ی کارگران آن پخش شدند. سربازان در تمام پالایشگاه شروع به مانور کرده و هر جمعی را که می‌دیدند به آن حمله می‌کردند. صبح که سربازها از دروازه‌ی اصلی وارد شدند، عده‌ای از آن‌ها در همان حوالی مستقر شدند. بعد از انتشار خبر حمله به کارگاه، کارمندان جوان و کارگران قسمت‌های اطراف آن‌ها دست به یک تظاهرات زدند و شعارهایی مانند «سرباز برو گم شو» را دادند که سربازان با چماق به دنبال آن‌ها افتادند. البته هیچ‌کس صدمه‌ای ندید و همگی متفرق شدند. این خبرها به سرعت در تمام

پالایشگاه پخش شد. در اکثر قسمت‌ها تصمیمی گرفته شد که بعد از ظهر به سر کارهای خود نیابند. بعد از ظهر باز هم تظاهراتی در ساعت ۳ از طرف گروه صبح در اطراف دروازه‌ی اصلی به وقوع پیوست.

### چهارشنبه ۶ دی ۱۳۵۷

اعتصاب همچنان ادامه دارد. امروز صبح باز هم نیروهای نظامی به کارگاه رفتند و با رسیدن آن‌ها کارگران شروع به روشن کردن دستگاه‌ها کردند و باز هم تا آن‌ها رفتند دستگاه‌ها را خاموش کردند. امروز به کارگران حقوق دادند، البته علی‌الحساب و این بدین صورت بوده که به کارمندان کامپیوتر که در حال اعتصاب‌اند گفته شده بود که برنامه‌ی پول کارگران را بنویسند ولی کارمندان متوجه شدند که فقط به اعتصاب‌شکن‌ها می‌خواهند حقوق بدهند که باز هم دست به اعتصاب زدند و کار نکردند که بعد با مداخله‌ی فرماندار نظامی و رییس کامپیوتر به کارمندان گفته شد که برای همه حقوق حساب‌نشده بدهند که کارمندان با کمال میل این کار را کردند و بعد از آن مجدداً دست از کار کشیدند. البته به کارگران اهواز و سایر مناطق نفت‌خیز حقوق داده نشده است که عده‌ای از کارگران پیشرو تصمیم به جمع کردن پول برای کارگران اخراجی گرفتند. صبح بین کارمندان جوان و کارگران تصمیمی مبنی بر انجام یک راهپیمایی و تظاهرات در پالایشگاه با در نظر گرفتن مسیر و افراد دیده‌بان گرفته می‌شود. این امر بعد از ظهر با موفقیت انجام شد و تأثیر بسیار خوبی به جا گذاشت - به طوری که موقع ورود به کارگاه، کارگران تظاهرکنندگان را تشویق می‌کردند. کارگران کارگاه ابزار دقیق که جنب کارگاه مرکزی است با تظاهرکنندگان همراهی می‌کردند. شعارها چنین بود: «کارگر زندانی ورک شاپ، آزاد باید گردد، ورک شاپ، مقاومت مقاومت» [ورک شاپ، کارگاه مرکزی است]، «کارگر مبارز اعتصاب، اعتصاب»، «پروسس کار تو خیانت است به ملت»، «پاداش اضافی خون‌بهای شهیدان». بعد از طی مسیر تعیین شده همه با شعار «بگو

مرگ بر شاه» متفرق شدند. بعد از ۴۵ دقیقه نیروهای نظامی با زره پوش، - شش تانک کوچک، دو تانک چفتن و تعداد زیادی سرباز در پالایشگاه مانور دادند که با خنده و تمسخر کارگران روبرو شدند. (پایان گزارش آبان و دی ۱۳۵۷)

## پیوست

### نکاتی در مورد نحوه‌ی تأمین معیشت کارگران اعتصابی

تجربه‌ی جنبش کارگری در پالایشگاه آبادان نشان می‌دهد از سال ۱۳۰۶ که نخستین تلاش‌های کارگران نفت برای بهبود شرایط کار آغاز شد ایجاد صندوق‌های مالی مخفی و مدیریت مالی برای پیشبرد مبارزات کارگری در دستور کار فعالان کارگری قرار داشته است. در سال ۱۳۳۵ نیز فعالان جوان کارگری مانند یداله خسروی در سازمان‌دهی «صندوق تعاونی کارگری» نقش مهمی داشتند. در این دوره به ۳۰۰ عضو صندوق تعاونی، در صورت نیاز به شکل محدودی کمک مالی می‌شد. در سال ۱۳۵۱ نیز بعد از اعتصاب صنفی و کوتاه‌مدت کارگران پالایشگاه آبادان از جانب فعالان کارگری «صندوق مالی مخفی» تشکیل شد. هدف این صندوق کمک به کارگران کم‌درآمد و دادن وام‌های محدود بدون بهره به کارگران و کمک به پیشبرد مبارزات کارگری در پالایشگاه بود.

در سال ۱۳۵۷ و در مقطع انقلاب، از آن‌جا که کارگران و کارمندان نفت فاقد اتحادیه‌های واقعی و مستقل خود بودند و صندوق مالی مستقلی از خود نداشتند، که اعتصاب خود را مستقلاً با تکیه به خود به پیش ببرند، تأمین معیشت مالی کارگران اعتصابی و خانواده‌های آنان یکی از دغدغه‌های اصلی فعالان کارگری در آن مقطع بود. یکی از اعضای «کمیته‌ی مخفی اعتصاب» در پالایشگاه تهران که نمی‌خواهد نامش برده

شود، با اشاره به موضوع تأمین مالی می‌گوید: «در مقطع انقلاب فعالین کارگری با سازمان دهی " کمیته‌های مخفی اعتصاب " در سازماندهی اعتصابات صنعت نفت نقش اساسی را بازی کردند. با شروع اعتراضات سراسری در کشور موضوع اعتصابات برای از پا در آوردن رژیم شاه در مرحله‌ی اول از طریق این کمیته‌های مخفی سازماندهی شد.

### **مرحله‌ی بعدی که در هر اعتصاب کارگری بسیار مهم است تأمین منابع**

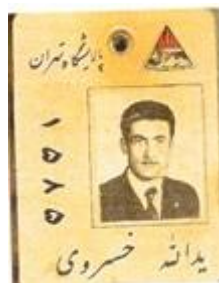
**مالی و معیشتی برای کارگران و خانواده‌های آنان است.** می‌دانستیم که این

اعتصابات برخلاف گذشته طولانی‌تر خواهد بود و نمی‌خواستیم که اعتصابیون در طول اعتصاب دچار مشکلات مالی شوند و این مسئله در اولویت قرار داشت. به همین خاطر در آن مقطع تأمین مالی برای ادامه حرکت اعتصابی از طریق بخش عظیمی از بازاریان و مردمی که خواهان سرنگونی رژیم شاه بودند بلافاصله تأمین می‌شد. خصوصاً این که آیت‌الله خمینی طی اطلاعیه‌ای در شهریور ۱۳۵۷ از همگان خواست که به کارگران اعتصابی شرکت نفت کمک مالی کنند. او دستور دینی و فتوا داد که مردم و بازاریان و «تجار محترم» قسمتی از زکات خود را به صندوق اعتصابات بدهند. پس از آن فرمان بود که گونی، گونی پول برای ادامه‌ی اعتصاب می‌رسید و مشکل مالی برطرف می‌شد.» از این طریق بود که کمیته‌های اعتصابات پول‌ها را در اختیار کارگران اعتصابی پالایشگاه‌ها قرار می‌دادند. با این پشتوانه‌ی مالی بازار و تجار و کمک‌های مالی برخی از مردم بود که کارکنان نفت توانستند اعتصابات طولانی مدت خود را پیروزمندانه تا سرنگونی ادامه دهند و شاه را ساقط کنند.

## تصویری از پالایشگاه آبادان

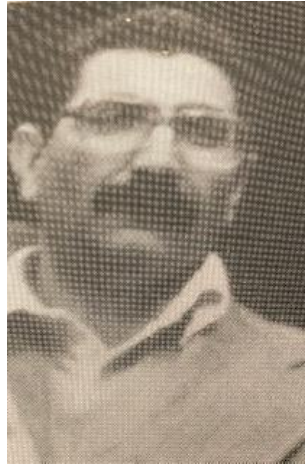


یداله خسروی (خسروشاهی) دبیر سندیکای سابق کارگران پالایشگاه تهران-۱۳۵۳ و نماینده کارگران در شورای کارکنان نفت-۱۳۵۷. وی در سال ۱۳۵۳ به دلیل سازمان دهی اعتصاب در پالایشگاه تهران دستگیر شد و سال ۱۳۵۷ در مقطع انقلاب آزاد شد. تاریخ درگذشت ۴ فوریه ۲۰۱۰



مصطفی آبکاشک. کارگر جوشکار ۱۳۲۴-۱۳۶۸

در سال ۱۳۵۰ در زمان شاه، به‌خاطر فعالیت‌های کارگری - سیاسی به سه سال و نیم زندان محکوم شد. پس از آزادی از زندان به جرگه‌ی کارگران پروژه‌ای آبادان پیوست. وی در پروژه‌ی ساختمانی پالایشگاه اصفهان (شرکت امریکایی فلور) در سال ۱۳۵۶ مشغول به کار شد و سپس تا مقطع انقلاب در «نیروگاه اتمی دارخوین» کار می‌کرد. وی به‌عنوان یک فعال کارگری آگاه و باتجربه نقش ارزنده‌ای در



مبارزات کارگران پالایشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۶ و در «دارخوین» در مقطع انقلاب داشت. وی از سازمان‌دهندگان کارگران پروژه‌ای آبادان در حمایت از اعتصاب کارکنان پالایشگاه آبادان بود. پس از انقلاب نیز او یکی از بنیان‌گذاران و افراد هیئت مؤسس «سندیکای مستقل کارگران پروژه‌ای - فصلی آبادان و حومه» (۱۳۵۷-۱۳۵۸) بود.